

حسن جان و خرد  
سببم ازند



# نظام منطق

جان استیوارت میل

جلد اول

ترجمہ  
محمد رضا اسمخانی



سرشناسه: میل، جان استیوارت، ۱۸۰۶ - ۱۸۷۳ م. | Mill, John Stuart

عنوان و نام پدیدآور: نظام منطق / جان استیوارت میل؛ ترجمه محمد رضا اسمخانی؛ ویراستار علمی: حسین شیخ رضایی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۲-۴۳-۶۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: A system of logic, ratiocinative and inductive, being a connected view of the principles of evidence and the methods of scientific investigation, 1975.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: منطق | Logic | علوم -- روش شناسی | Science -- Methodology | شناخت (فلسفه) | Knowledge, Theory of

شناسه افزوده: اسمخانی، محمد رضا، ۱۳۶۲ -، مترجم

شناسه افزوده: شیخ رضایی، حسین، ۱۳۵۵ -، ویراستار

شناسه افزوده: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

شناسه افزوده: Muassasah-i Pizhūhishī-i Hikmat va Falsafah-i Īrān

رده بندی کنگره: ۹۱ BC | رده بندی دیویی: ۱۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۶۲۷۷۵



## نظام منطق

### جلد اول

جان استیوارت میل

ترجمه محمد رضا اسمخانی

ویراستار علمی: حسین شیخ رضایی

ویراستار زبانی: ایمان آقابابائی

نمونه خوان: فهیمه نظری

صفحه آرا: زهرا صالح نژاد

ناظر چاپ: بهمن سراج

لیتوگرافی: سحر گرافیک | چاپ: غزال

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۱۰۰۰۰ تومان



ناشر: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۴۰۵۴۴۵، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

www.irip.ac.ir

شابک: ۲-۴۳-۶۳۳۱-۶۲۲-۹۷۸ | ISBN: 978-622-6331-43-2

حقی چاپ و نشر محفوظ است.

## فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم .....	۷
پیشگفتار [بر همهٔ ویراست‌ها] .....	۲۷
مقدمه .....	۳۵

### دفتر اول: دربارهٔ نام‌ها و گزاره‌ها.....۵۱

فصل ۱: دربارهٔ ضرورت آغازیدن با تحلیلی از زبان .....	۵۳
فصل ۲: دربارهٔ نام‌ها.....	۵۹
فصل ۳: دربارهٔ مدلول نام‌ها.....	۸۳
فصل ۴: دربارهٔ گزاره‌ها.....	۱۱۷
فصل ۵: دربارهٔ دلالت گزاره‌ها .....	۱۲۹
فصل ۶: دربارهٔ گزاره‌های لفظی صرف .....	۱۵۳
فصل ۷: دربارهٔ ماهیت طبقه‌بندی و کلیات خمس .....	۱۶۳
فصل ۸: دربارهٔ تعریف .....	۱۸۱

### دفتر دوم: دربارهٔ حجت و استدلال.....۲۰۵

فصل ۱: دربارهٔ استنتاج یا استدلال به معنای عام .....	۲۰۷
فصل ۲: دربارهٔ استدلال قیاسی یا قیاس منطقی.....	۲۱۵
فصل ۳: دربارهٔ کارکردها و ارزش منطقی قیاس .....	۲۳۳
فصل ۴: دربارهٔ زنجیره‌های استدلال و علوم قیاسی .....	۲۶۳
فصل ۵: دربارهٔ برهان و صدق‌های ضروری .....	۲۷۹
فصل ۶: ادامهٔ موضوع قبل [برهان و صدق‌های ضروری].....	۳۰۹
فصل ۷: بررسی برخی عقاید برخلاف آموزه‌های پیش‌گفته .....	۳۲۱

۳۴۳	..... دفتر سوم: دربارهٔ استقرا
۳۴۵	..... فصل ۱: ملاحظات مقدماتی دربارهٔ استقرا به طور عام
۳۵۱	..... فصل ۲: دربارهٔ استقراهایی که به نادرستی چنین خوانده می‌شوند
۳۷۱	..... فصل ۳: دربارهٔ مبادی استقرا
۳۸۱	..... فصل ۴: درباب قوانین طبیعت
۳۸۹	..... فصل ۵: دربارهٔ قانون علیت جهان شمول
۴۴۱	..... فصل ۶: دربارهٔ ترکیب علل
۴۴۹	..... فصل ۷: دربارهٔ مشاهده و آزمایش
۴۵۹	..... فصل ۸: دربارهٔ چهار روش پژوهش تجربی
۴۷۹	..... فصل ۹: مثال‌های متنوع از چهار روش مذکور
۵۰۷	..... فصل ۱۰: دربارهٔ کثرت علل و درهم‌آمیختگی معلول‌ها
۵۲۹	..... فصل ۱۱: دربارهٔ روش قیاسی
۵۳۹	..... فصل ۱۲: دربارهٔ تبیین قوانین طبیعت
۵۴۹	..... فصل ۱۳: مثال‌های متنوع از تبیین قوانین طبیعت

## پیشگفتار مترجم

اهمیت تاریخی این اثر نه تنها ناشی از این واقعیت است که به طور نظام مند مواضع منطقی یکی از تأثیرگذارین مکاتب فلسفی [سنت تجربه‌گرایی] را صورت بندی می‌کند، بلکه همچنین برخاسته از این واقعیت است که همچون عاملی مهم در مناقشات سیاسی و اجتماعی سده نوزدهم ظاهر شده است. (Nagel 1950:xxxii)

این انگاره که حقایق خارج از ذهن می‌توانند از طریق شهود یا آگاهی، مستقل از مشاهدات و تجربه، شناخته شوند، به اعتقاد، پشتوانه فکری عظیم آموزه‌های اشتباه و نهادهای نامطلوب است... قدرت اصلی این فلسفه کاذب در اخلاقیات، سیاست و دین در عادت مرسوم تمسک جستن به شواهد ریاضیات و شاخه‌های مختلف علوم فیزیکی نهفته است. نظام منطق، با تلاش برای ایضاح سرشت واقعی شواهد صدق‌های ریاضی و فیزیکی، با فلاسفه شهودگرا در میدانی رویارو می‌شود که پیش‌تر در آن هجمه‌ناپذیر قلمداد می‌شدند. (Mill 1873 [1981]:137)

هدف از تألیف و گردآوری این پیشگفتار، ارائه چکیده‌ای از آموزه‌های فلسفی میل، ایضاح پیشینه و سبقه مباحثش، و آماده‌سازی ذهن خواننده برای مواجهه با یکی از شاخص‌ترین آثار کلاسیک سنت تجربه‌گرایی است. این پیشگفتار به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود: اول، تقریر کلیتی از زندگی و فلسفه میل، ساختار و درون‌مایه نظام منطق، و عناصر مهم «فلسفه نظری» وی که در این اثر به طور مفصل واکاوی می‌شوند. دوم، توضیحی مختصر از اندیشه‌ها

و مواضع متفکرانی که میل ایده‌های مندرج در این اثر را در تعامل فکری با آن‌ها تألیف کرد، و نیز اشاره به مناقشات و مکاتبات خواندنی وی با ایشان، از جمله هیوول و کنت. سوم، ترسیم ردپای دیدگاه‌های میل در مباحث فلسفی متأخر، از جمله روان‌شناسی‌گرایی و طبیعت‌گرایی در ریاضیات. و در آخر، چند ملاحظه مختصر در باب ترجمه.

\*\*\*

جان استیوارت میل<sup>۱</sup>، فرزند ارشد جیمز میل فیلسوف است که برنامه آموزشی سخت‌گیرانه‌اش به واسطه گزارش مشروح میل جوان در زندگینامه خودنوشته زبازده همگان شد: یونانی در سه‌سالگی، لاتین در هشت‌سالگی، خواندن محاورات افلاطون پیش از ده‌سالگی، و آموزش منطق، اقتصاد سیاسی، روان‌شناسی و حقوق در کنار متون کلاسیک. میل در حلقه‌ای از تندروهای سیاسی و فکری پرورش یافت که فایده‌گرایانی همچون جرمی بنتام<sup>۲</sup> و اقتصاددان‌هایی همچون دیوید ریکاردو<sup>۳</sup> در میانشان بودند. میل در سال ۱۸۵۱ با هریت تیلور ازدواج کرد، زنی که به شدت بر فلسفه اخلاقی، سیاسی و اجتماعی‌اش اثر گذاشت (Loizides 2014; Macleod 2016; Ryan 1987).

میل را به حق مهم‌ترین فیلسوف انگلیسی‌زبان سده نوزدهم برمی‌شمارند که کوشید سنت «تجربه‌گرایی» را تا آخرین لوازمش دنبال کند. از حیث فلسفی، بی‌تردید آنچه مایه و سرمایه اصلی دیدگاه میل است نوعی «طبیعت‌گرایی» است، مبنی بر اینکه ما انسان‌ها، و ذهن و زبانمان و فرآورده‌های آن‌ها (شناخت و معنا)، پاره‌ای از طبیعت هستیم. این طبیعت‌گرایی دو رگه اصلی دارد که در همه آثار میل مجدانه پی گرفته می‌شوند: اول، مخالفت سرسختانه با هرگونه «پیشینی‌گرایی»<sup>۴</sup> و دفاع کامل از این ایده که هر شناخت اصیلی - چه نظری و چه عملی - باید از راه مشاهده و تجربه حاصل شود. دوم، شرح روان‌شناختی، مبتنی بر آموزه تداومی‌گرایی<sup>۵</sup>، از سازوکارهای بنیادین شکل‌گیری ایده‌ها، که از این حیث میراث بر «تجربه‌گرایان بریتانیایی» - هابز، لاک، هارتلی، و در نهایت پدرش، جیمز میل - است.

میل با نگارش کتاب نظام منطق در سال ۱۸۴۳ شهرت فلسفی خود را دامن زد: نافذترین شرح سده نوزدهمی از فلسفه علم طبیعت‌گرایانه، مشتمل بر علوم اجتماعی. در کنار این اثر، آثار

1. John Stuart Mill (1806-1873)

2. *Autobiography* (1873)

3. Jeremy Bentham

4. David Ricardo

5. Harriet Taylor

6. apriorism

7. associationist psychology



مهم دیگر او از این قرارند: اصول اقتصاد سیاسی<sup>۱</sup>، متنی آموزشی در معرفی اقتصاد کلاسیک، و حاوی چکیده‌ای از فلسفه اجتماعی میل؛ درباب آزادی<sup>۲</sup> و فایده‌گرایی<sup>۳</sup>، دو اثر معروف در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی و دو دفاعیه کلاسیک از اصول لیبرالیسم و فایده‌گرایی؛ انتیاد زنان،<sup>۴</sup> مانیفست فمینیسم در سده نوزدهم؛ ملاحظاتی درباب حکومت انتخابی<sup>۵</sup>، گزارشی مشروح از دورنماهای دموکراسی؛ بررسی فلسفه سِر ویلیام همیلتون،<sup>۶</sup> مهم‌ترین کاوش‌های میل درباب مسائل متافیزیکی، از جمله سرشت ذهن و ماده؛ و زندگینامه خودنوشت،<sup>۷</sup> اثری خودکاوانه، «ادیبانه» و سرشار از آموزش‌های فکری و اخلاقی. (Clark 2017)

نظام منطقی از جایگاه ویژه‌ای هم در نظام فکری او و هم در بطن فلسفه سده نوزدهم برخوردار است. این اثر هم هجده‌ای همه‌جانبه به هرگونه فلسفه شهودگرا و پیشینی‌گرا است؛ و هم به توصیف معاصرانش، «بهترین کتاب نقدشده دوران» است و «نوعی انقلاب در علم منطق» (Ducheyne and Mccaskey 2014). از منظر بحث منطق، با در نظر داشتن همه تحولات اساسی در رشته منطق، این اثر همچنان یکی از متون اساسی در تاریخ تأملات منطقی محسوب می‌شود. از منظر فلسفه علم نیز اثری تعیین‌کننده در توسعه تاریخی «فلسفه علم» به عنوان یک رشته علمی قلمداد می‌گردد؛ چراکه تأملات میل بر روش‌شناسی علم، به خصوص تقریر روش‌های پژوهش علمی، و نیز بنیان‌نهادن علم بر مبانی معرفتی مقتضی‌اش، از جمله دستاوردهای پرمایه او در این اثر است.

هدف خاص این کتاب ارائه نظریه‌ای عام درباب «اثبات» است، در کنار نفي دیدگاه سنتی که یگانه قواعد عام منطق را اصول دلیل‌ورزی قیاسی یا برهانی می‌داند (Nagel 1950: xxxi-xxxiv). میل در این اثر با منطق گسترده‌تری سروکار دارد که به شرایط عام‌تر «ارزیابی صدق» می‌پردازد، و شرحی از «استقرا» در کانون مباحثش است؛ یعنی، عملیات «کشف» و «اثبات» گزاره‌های عام

1. Mill, J.S. (1848) *Principles of Political Economy*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, Vols. 2 and 3, 1991.

2. Mill, J.S. (1859) *On Liberty*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 18, 213-310, 1991.

3. Mill, J.S. (1861a) *Utilitarianism*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 10, 203-59, 1991.

4. Mill, J.S. (1869) *The Subjection of Women*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 21, 259-340, 1991.

5. Mill, J.S. (1861b) *Considerations on Representative Government*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 29, 371-577, 1991.

6. Mill, J.S. (1865a) *An Examination of Sir William Hamilton's Philosophy*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 9, 1991.

7. Mill, J.S. (1873) *Autobiography*, in *Collected Works of John Stuart Mill*, London: Routledge, vol. 1, 1-290, 1991.

یا فرایند «تعمیم از روی تجربه». در این راستا، هدف اصلی به انجام رساندن وظیفه‌ای است که پیش‌تر پدرش برای منطقی مقرر کرده بود: ارائه «نقشه کامل و دقیقی از فرایندهای استقرایی». بدین ترتیب، میل بناست همان کاری را برای «استقرا» انجام دهد که ارسطو برای «قیاس منطقی» به انجام رسانید: صورت‌بندی مجموعه‌ای از قواعد، مشابه با قواعد قیاس منطقی، که با کمکشان استنتاج‌های استقرایی را می‌توان هم «آزمود» و هم «اثبات» کرد. این قواعد در نهایت به منزله اصولی برای ارزیابی کفایت پژوهش‌های علمی در باب «قوانین علی» به کار می‌آیند.

نظام منطقی شش دفتر اصلی دارد که درون مایه اصلی آن‌ها از این قرارند: دفتر نخست، به پیروی از سنت متون منطقی، به نام‌ها و گزاره‌ها (الفاظ و قضایا) می‌پردازد. میل در این دفتر پس از بررسی دلالت آن‌ها، و بحث از انواع نام‌ها (عام یا شخصی؛ انضمامی یا انتزاعی؛ دلالتی یا غیردلالتی؛ نسبی یا مطلق)، از انواع «چیزهای نام‌پذیر» (احساس‌ها، یا حالات آگاهی؛ ذهن‌ها؛ جسم‌ها/ بدن‌ها؛ روابط یا نسبت‌ها) سخن می‌گوید، که بر مبنای آن طبقه‌بندی و نظامی بدیل برای نظام مقولات ارسطویی ارائه می‌دهد. دفتر دوم به مبحث «حجت و استدلال» و دو نوع دلیل‌ورزی می‌پردازد: استقرا و قیاس؛ دلیل‌ورزی از جزئی‌ها به کلی‌ها و از کلی‌ها به جزئی‌ها. میل در این دفتر، جایگاه و ارزش قیاس منطقی را واکاوی می‌کند، و در برابر رابطه سنتی بین استقرا و قیاس، با این نتیجه کار را خاتمه می‌دهد که استنتاج استقرایی یگانه صورت «استنتاج واقعی» است که قادرست ما را به شناخت جدید رهنمون کند، و قیاس‌ها صرفاً می‌توانند در «تفسیر» استقراها نقش داشته باشند. مبحث اصلی دفتر سوم، به عنوان قلب پروژه تجربه‌گرایی او، «استقرا» و مبانی‌اش است، و این پرسش‌های کلیدی فلسفه منطقی را می‌کاود: «دلیل‌ورزی استقرایی چگونه ممکن است؟» و «تحت چه شرایطی، استدلال‌های استقرایی معتبرند؟». دفتر چهارم به مجموعه متنوعی از عملکردهای ذهنی-از جمله مشاهده، انتزاع و نام‌گذاری- می‌پردازد که در هر استقرا تضمن دارند یا نقشی کلیدی در صور پیچیده‌تر استقرا دارند. دفتر پنجم به «مغالطات دلیل‌ورزی» می‌پردازد، چراکه بر آن است که «فلسفه دلیل‌ورزی» برای اینکه کامل باشد باید شامل نظریه‌ای درباره هم دلیل‌ورزی خوب و هم دلیل‌ورزی بد باشد. میل در این دفتر «فلسفه خطا»ی خود را ارائه می‌دهد و پنج مجموعه اصلی مغالطات را واکاوی می‌کند. و در آخر، دفتر ششم به «علوم اخلاقی» می‌پردازد و در تأیید شباهت بنیادین بین روش‌های علوم انسانی و علوم طبیعی استدلال می‌کند. این دفتر مشتمل است بر آنچه میل بهترین فصل کتابش می‌داند، یعنی «آزادی و ضرورت»، و نیز طرح‌واره‌ای

از علم جدید «شخصیت‌شناسی»<sup>۱</sup> ارائه می‌دهد که مکمل ایده‌هایش در باب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است.

بر مبنای این ساختار، بنیادهای «فلسفه نظری» میل در این اثر را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

فلسفه زبان و نظریه معناشناختی: میل در دفتر نخست به صراحت بر زبان تکیه دارد، چراکه نقش بنیادینی برای آن در دلیل‌ورزی و نیز کسب شناخت قائل است و آن را یکی از «ابزارهای اصلی اندیشه» می‌داند. معناشناسی و معرفت‌شناسی منطقی میل دو مؤلفه کلیدی دارند: تمایز قاطع بین دو نوع دلالت (دلالت مفهومی<sup>۲</sup> و دلالت مصداقی<sup>۳</sup>) و نوعی تجربه‌گرایی سراسری. یکی از پیامدهای تجربه‌گرا بودن او در این حیطه، تمایز بین گزاره‌های لفظی و «واقعی» و نیز استنتاج‌های صرفاً ظاهری و «واقعی» است، که هر کدام راجع است به اینکه آیا گزاره‌مان محتوای جوهری دارد یا آیا استنتاجمان اطلاعات جدیدی را درباره جهان انتقال می‌دهد یا خیر. بر این اساس، یکی از مدعیاتش اسطوره‌زدایی از نقش «معرفت‌شناختی» گزاره‌های «کلی» یا «عام» در قلمرو اندیشه است؛ بر مبنای این استدلال که آن‌ها چیزی به نیروی یک استدلال نمی‌افزایند، و نتایج منفرد و جزئی همیشه از مقدمه‌های منفرد و جزئی قابل استنتاج هستند. یکی از مدعیات دیگر وی این است که «رابط»<sup>۴</sup> - تعابیری مثل «است/هست/می‌باشد» که موضوع و محمول جمله را به هم مرتبط می‌سازند - صرفاً نشانگر تصدیق یا نفی حمل محمول بر موضوع است، و برخلاف سنتی در منطق که پیشینه‌اش به ارسطو بازمی‌گردد، بر مقوله‌ای جوهری مثل «وجود» دلالت ندارد (Kroon 2017; Skorupski 1998).

فلسفه منطق: میل به صراحت طرح «طبیعی‌سازی» منطق<sup>۵</sup> را دنبال می‌کند، و چنین طرحی را با طبیعی‌سازی «موضوع» آن شروع می‌کند: بررسی «دلیل‌ورزی» به عنوان «فرایندی ذهنی» و آزان‌رو، به منزله فرایندی «طبیعی». از سوی دیگر، مطالعات منطقی برای میل امری «هنجاری» است، به این معنا که منطق نه «علم باور» بلکه «علم اثبات»<sup>۶</sup> است، طوری که بناست آزمونی برای سنجش «درست‌بنیان»<sup>۷</sup> بودن باورها فراهم کند. آزان‌رو، چون میل منطق را «علم شواهد» یا «فلسفه شواهد» می‌داند، نه فقط به منطق «سازگاری»، چیزی که در روند اعتبار قیاسی حفظ می‌شود، بلکه به

1. ethology

2. connotation

3. denotation

4. copula

5. naturalization of logic

6. science of Proof

7. well-grounded

«منطق صدق» می‌پردازد، و منطق را عملاً کلیت نظریه معلوم کردن یا اثبات نمودن «صدق مبرهن یا منتج»<sup>۱</sup> تعریف می‌کند. بنابراین، در کنار حیطة محدود دلیل‌ورزی برهانی یا قیاسی<sup>۲</sup>، موضوع منطق را قلمرو گسترده‌تر هر گام استنتاجی برای حصول شناخت می‌انگارد. اما یکی از مدعیات مهم میل، با عطف به فلسفه زبانش، این است که منطق متضمن گزاره‌های واقعی و نیز استنتاج‌های واقعی است، نه لفظی؛ به عبارت دیگر، گزاره‌های منطق «ترکیبی» اند- یعنی، قادرند «اطلاعات جدیدی» درباره موضوعاتشان انتقال دهند- و استنتاج‌های آن «توسیعی» اند- یعنی، نتایجشان اطلاعات بیشتری از محتوای مقدمه‌هایش دربردارند. از این رو، منطق برای میل کارکرد «معرفتی» دارد: پیشرفت و توسعه شناخت! (Godden 2017; Loizides 2014)

معرفت‌شناسی تجربه‌گرایانه و طبیعت‌گرایانه: به اعتقاد میل، هرگونه دلیل‌ورزی قیاسی یا پیشینی «تهی» است، و چنین استدلال‌هایی هیچ‌گونه صدق جدیدی، هیچ‌گونه شناخت جدیدی، درباره جهان انتقال نمی‌دهند، چراکه نتیجه‌شان پیشاپیش به نحوی در خود مقدمه‌های استدلال متضمن دارد. این مدعا البته هم‌بسته با مدعای طبیعت‌گرایانه دیگر اوست که همه پیشرفت‌های شناختی اصیل ما باید از طریق مشاهده تجربی و آزمایش، و استدلالی که بر مبنای چنین مشاهداتی پیش می‌رود، متحقق شود. اما یگانه شکل استدلالی معتبر، بر مبنای داده‌های تجربی، تنها یک نوع استنتاج است: یا متشکل است از استقرا- عملیات کشف و اثبات گزاره‌های عام - یا تفسیری از استقراها. در این راستا، تلاش‌های میل برای تثبیت استقرا در قلب استنتاج‌ها و در همه سطوح پیچیده اندیشه‌ورزی ما، و توجیحات مکرر وی برای این شکل استدلال و اعتمادپذیری آن، یکی از درخشان‌ترین بخش‌های فلسفه نظری میل را شکل می‌دهد. به خصوص، ارزش و اعتباری که میل برای «استقرای شمارشی» قائل است مبنی بر اینکه آن رانه‌تنها یک اصل معتبر بلکه یگانه اصلی می‌داند که به واسطه‌اش در استنتاج واقعیت‌های مشاهده‌نشده درباره جهان موجه‌ایم (Macleod 2014; 2016).

فلسفه علم مبتنی بر عقلانیت استقرایی: همسو با این موضع که هر معرفت استنتاجی اصیل درباره جهان با استفاده از «استقرای شمارشی ساده» موجه می‌شود، میل معتقد است دلیل‌ورزی‌ای که در متن فعالیت علمی رخ می‌دهد صرفاً کاربرستی از نسخه اصلاح‌شده همین استقراست. بر همین مبنای، در منظر میل، تاریخ علم نه تنها تاریخ رشد معرفت‌مان با استفاده از «عقل استقرایی»<sup>۳</sup> است (چراکه پیشه و وظیفه علم حرکت از استقرای ضعیف به استقرای قوی است)، تاریخ

1. reasoned or inferred truth

2. ratiocination

3. inductive reason

رشد معرفت‌مان به عقل استقرایی نیز هست: اصلاح روش‌شناسی استقرایی با خود استقرا. نکته بعد، توانایی عقل استقرایی تجربه‌بنیان در کشف و استخراج «یکنواختی‌های واقعی» در طبیعت و «روابط علی» بنیادین بین رویدادها است. به زعم میل، با پیشروی علم، عملاً چهار روش در تمییز و جداسازی «علل» پدیده‌های طبیعی، و آشکارسازی «قوانین» حاکم بر آن‌ها، موفق عمل کرده‌اند، که شرح و تفسیر وی از آن‌ها (روش توافق، روش تفاوت، روش تغییرات ملازم، و روش باقیمانده)، شرایط اطلاقشان، و ظرفیت‌هایشان برای کشف «روابط علی»، از ژرف‌ترین فصل‌های تاریخ فلسفه علم، و به تفسیر فیومرتن (2017: 201-202)، یکی از نافذترین تلاش‌ها در تقریر معرفت‌شناسی «معرفت علی»<sup>۱</sup> است. در آخر، هدف غایی علم، عبارت است از کاربرد مداوم قواعد استقرا تا دستیابی به عام‌ترین «قوانین طبیعت» (Cobb 2017; Scarre 1998).

حساب، هندسه و ضرورت‌شان: یکی از چالش‌برانگیزترین مدعیات میل، بسط دیدگاه‌هایش به قلمرو ریاضیات است: اینکه «قطعیت» منحصر به فرد منسوب به صدق‌های ریاضیاتی «توهمی» بیش نیست، چراکه همه اصول نخستین این علوم تعمیم‌هایی از روی تجربه‌اند. به بیان دیگر، از جمله «قوانین طبیعت» که با دلیل‌ورزی استقرایی آموخته می‌شوند، قوانین دو حوزه هندسه و حساب‌اند؛ یعنی، مثل همه علوم تجربی، آن‌ها نیز در بنیادین سطوح سرشت تجربی و «استقرایی» دارند. بنابراین، برخلاف بسیاری از تجربه‌گرایان، میل بر آن است که گزاره‌های ریاضیاتی واقعاً امرواقع را تصدیق می‌کنند. ادعای ابتدای ریاضیات بر تجربه و استقرا گویای یکی از رادیکال‌ترین مواضع در سنت تجربه‌گرایی است، که خود میل نیز بر آن وقوف دارد، چراکه وی علناً قصد داشت مکتب‌های پیشینی‌گرا و شهودگرا را برای همیشه از «دژ مستحکم» شان بیرون راند. اما انکار جایگاه پیشینی ریاضیات، این ایده متداول را که آن‌ها ضرورتاً صادق‌اند به چالش می‌کشد، که البته میل لوازمش را با آغوش باز می‌پذیرد، و در بخش‌های جذاب این اثر، به شرحی «روان‌شناختی»، و مبتنی بر قوانین تداعی، از این مدعا می‌پردازد که چگونه برخی گزاره‌ها برای مان ضروری «می‌نمایند» (Macleod 2014; 2016; Kitcher 1998; McRae 1974).

ذهن در جهان طبیعی: روان‌شناسی، شخصیت‌شناسی و جامعه‌شناسی: ذهن ما، در نظام طبیعت‌گرای میل، بخشی از جهان طبیعی است، و بنابراین تابع «قوانین علی» است و تن به «مطالعات تجربی» می‌دهد، حیظه‌ای که درنهایت به قوانین «روان‌شناسی تداعی‌گرا» احاله می‌شود. به علاوه، میل شخصیت هر فردی را تابعی می‌داند از تجربه‌هایی که فرد در زندگی متحمل شده، و از این رو، سرشت آدمی را تا حدی چکش‌خوار و منعطف می‌انگارد.

یکی از این شرایط پس‌زمینه‌ای، «شرایط محیطی» مثل شرایط فرهنگی و اجتماعی فرد است، و علم نظام‌مندی که عهده‌دار این بحث است که چگونه تربیت و محیط بر تکوین افراد و خلق شخصیتشان اثرگذار است «شخصیت‌شناسی» نام می‌گیرد. حال، بر مبنای چنین مفروضاتی، «جوامع» ای که از همین افراد تشکیل شده‌اند نیز تابع قوانین طبیعی می‌شوند، و دراصل می‌شود قوانینی را مشخص کرد که از طریق آن‌ها جوامع از حالت بدوی به پیشرفته تحول می‌یابند. با این وصف، علم شخصیت‌شناسی قرار است همچون پلی عمل کند که روان‌شناسی و «قوانین ذهن» خردش - مثل «قوانین تداعی»<sup>۱</sup> - را با جامعه‌شناسی و قوانین کلانش درخصوص اجتماع‌ها یا طبقه‌های افراد به هم متصل سازد. همچنین، یکی از تلاش‌های نظریه‌پردازان در ضمن این بحث‌ها، اثبات عدم تعارض «پیش‌بینی‌پذیری» حاصل از قوانین عام با «آزادی» انسان، و قدرت آدمی بر تغییر شخصیت یا تحول فرایندهای اجتماعی است (Macleod 2014; 2016; Rosen 2014).

\*\*\*

یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های این اثر بزرگ<sup>۲</sup>، نحوهٔ تکوین و تألیف موشکافانه و پیوستهٔ آن است، که فهرست تعاملات وی با دیگر متفکران و نیز آمار تغییرات و اصلاحات پیوستهٔ حاصل از این تعاملات این نکته را به خوبی نشان می‌دهد (McRae 1974; Robson 1974). اول اینکه، در تجربهٔ ویرایش‌های مکرر بین اولین نسخهٔ کامل دست‌نویس (۱۸۴۱) تا آخرین نسخه - ویراست هشتم (۱۸۷۲) و آخرین ویراست در زمان حیات میل - سی سال زمان صرف و حدود ۴۵۰۰ تغییر نسبتاً اساسی اعمال شده است. تمام این تغییرات و اصلاحات نیز - همان‌طور که بعضاً در پاورقی‌ها و بعضاً در زندگینامهٔ خودنوشت وی ذکر شده - حاصل مکاتبات و گفت‌وگوهای فکری وی با هم‌عصرانش بوده است. از این گذشته، اتکای میل بر سنت فکری جاافتادهٔ پیش از خود و متفکران معاصرش از میزان ارجاعات فراوانش مشهود است: چیزی قریب به ۲۵۰ متفکر، ۲۰۰ اثر، و ۱۲۵ نقل قول. بیشترین متفکر مورد ارجاع بدون تردید هیوول است (۹ اثر و حدود ۶ نقل قول)؛ در رتبهٔ بعدی کنت، بین، اسپنسر، ویتلی، و جیمز میل جای دارند؛ در رتبه‌های بعدی، به ترتیب، تجربه‌گرایان بریتانیایی و نیز مکتب اسکاتلندی فهم متعارف، و بعد ارسطو، منطق دانان مدرسی یا ارسطویان، و در آخر منطق دانانی همچون دمورگان و ایدنالیست‌هایی همچون کانت. به سبب اهمیت اندیشه‌های این چهره‌ها و مکاتب در تکوین نهایی نظام منطقی، مقتضی است در اینجا خطوط کلی شبکهٔ ارتباطی فکری میل با ایشان را ترسیم کنیم:

1. laws of association

2. magnum opus

ویلیام هیوول<sup>۱</sup>: یکی از نافذترین و جامع‌الاطراف‌ترین متفکران در بریتانیای سده نوزدهم، که میل در متن کتاب از او با عنوان دکتر هیوول نام می‌برد. کتاب تاریخ علوم استقرایی<sup>۲</sup> هیوول خزانه غنی و ارزشمندی از اطلاعات برای میل فراهم کرد تا بتواند شرح نظام‌مندی از ماهیت و فعالیت علوم ارائه دهد. اما میل، با وجود استفاده مبسوط از این کتاب، از حیث فلسفی، با اتکای هیوول بر ایده‌های پیشینی در فلسفه علم مخالفت ورزید- برای مثال، اینکه قلب استنتاج علمی همانا ابداع یک «ایده تألیف‌کننده» است- و کوشید برداشتی از بنیادهای علم ارائه دهد که صرفاً به «تجربه» به عنوان یگانه منبع و توجیه کل مدعیات معرفتی التزام دارد. نزاع پردامنه و آموزنده چنددهه‌ای ایشان در باب مسائلی از قبیل چیستی استقرا، اهداف پژوهش علمی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی علم، و نقش تاریخ علوم در بساخت فلسفه علم، عملاً فصلی مهم از تاریخ فلسفه علم را شکل می‌دهد. به خصوص، پس از انتشار کتاب هیوول با عنوان درباب استقرا<sup>۳</sup>، که حاوی ارجاعات به خصوصی به کتاب میل بود، مناقشه بین این دو فیلسوف ویکتوریایی به نزاع دو نماینده اصلی مکتب «تجربی»<sup>۴</sup> و «شهودی» مبدل شد (Snyder 1997; 2021; Millgram 2014).

جیمز میل<sup>۵</sup>: از برجسته‌ترین فلاسفه سیاست، حقوق و اقتصاد بریتانیا در سده نوزدهم. اثر مهم تحلیل پدیده‌های ذهن انسانی<sup>۶</sup>، به خصوص به واسطه تحلیل مفصلش از روان‌شناسی تداعی‌گرایانه و کارکردهای بنیادین ذهن، فارغ از تأثیر تحلیل‌های منطقی و روان‌شناختی قدرتمندش بر میل پسر، چهارچوب پژوهشی جامعی را فراهم کرد که بعدها در دفتر ششم نظام منطق، «شخصیت‌شناسی: علم تکوین شخصیت» نام گرفت؛ یعنی، حوزه‌ای که به شکل‌گیری ذهن، باورها، و رفتار «سوژه‌شناسا» در بده‌بستان با محیط و اوضاع و احوال پیرامونی می‌پردازد. میل در این بخش، هم نقدی بر نظریه پدرش درباب «تکوین شخصیت» عرضه می‌دارد و هم بدیلی برای آن، چراکه آن را بسیار «موجبیت‌گرایانه» می‌انگاشت (Ball 2017).

آگوست کنت<sup>۷</sup>: بنیان‌گذار پوزیتیویسم به‌عنوان جنبشی فلسفی و سیاسی در نیمه دوم سده نوزدهم. میل، هنگام نگارش نظام منطق، به شدت تحت تأثیر درسگفتارهایی درباب فلسفه تحصیلی<sup>۸</sup> کنت قرار گرفت، که نتیجه‌اش مکاتبات خواندنی و درازمدت میل با کنت

1. William Whewell (1794-1866)

2. *History of the Inductive Sciences* (1837)3. *Of Induction, With Especial Reference to Mr. J. Stuart Mill's System of Logic* (1849)

4. "experience school"

5. James Mill (1773-1836)

6. *Analysis of the Phenomena of the Human Mind* (1829)

7. Auguste Comte (1798-1857)

8. *Cours de Philosophie Positive [Course of Positive Philosophy]* (1839-1842)

(۱۸۴۱-۱۸۴۷) بود. تأثیر کنت بر میل، تحکیم هرچه بیشتر روح «علمی» یا «تحصلی» - تقدم مشاهده؛ جستجوی قوانین طبیعی؛ استنکاف از پژوهش درباب علل غایی یا اولی؛ و اتخاذ روش طبیعت‌گرایانه - در ذهن او، و از همه مهم‌تر، فهم منطق «علوم اخلاقی (یا علوم انسانی)» بود، که در دفتر ششم واکاوی می‌شود. یکی از اختلاف‌های اساسی میل با کنت، حذف روان‌شناسی و قوانین پدیده‌های ذهنی از طرح کنت درباره علوم بود، درحالی‌که به اعتقاد میل، قوانین پدیده‌های اجتماعی چیزی جز قوانین کنش‌ها و احساسات افراد انسانی، که در حالت اجتماعی وحدت یافته‌اند، نیست (Guillin 2017).

الکساندر بین<sup>۱</sup>: فیلسوف و منطق‌دان برجسته اسکاتلندی، از شارحان اصلی «تداعی‌گرایی»، و از مدافعان تبدیل روان‌شناسی به علمی مستقل از فلسفه. وی بعدها دوست، نزدیک‌ترین و مهم‌ترین شاگرد، و شرح‌حال‌نویس میل<sup>۲</sup> شد. دو کتاب مهم وی، حواس و عقل<sup>۳</sup> و منطق، مورد تحسین و ارجاع میل در نظام منطق هستند. «پرفسور» بین بیشتر دغدغه «طبقه‌بندی علوم» و کاربرد اطلاق اصول منطق به علوم مختلف داشت، و آشنایی‌اش با علوم بیشتر و تخصصی‌تر از میل بود، ازاین‌رو، چون فقدان مثال‌های علمی مستند در نسخه اولیه کتاب میل را «کاستی» آن تشخیص داد، برای یافتن «مثال‌های استقرایی» به میل استقراراگر مدد رساند، و آن را با شمار فراوانی از مثال‌ها و تمثیل‌های مختلف از علوم غنی کرد. وی از تحسین‌کنندگان نظام منطق بود، دفتر سوم آن را «بهترین بخش اثر» می‌دانست، و در کتاب منطق خود نیز دیدگاه‌های میل درباب استقرا و قیاس را اختیار کرد. به زعم او، میل نوعی «کتاب‌راهنمای فنون استقرایی» برای تعیین معلول‌های هر علتی و علل همه معلول‌ها فراهم کرده است، و روش‌های تجربی میل، یعنی «تقریر نظری کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه رسیدن به صدق‌های تجربی»، دیدگاه‌های سنتی بیکنی را به چالش می‌کشد (Robson 1974; Rosen 2014).

ریچارد ویتلی<sup>۴</sup>: منطق‌دان و الهی‌دان انگلیسی سده بیستم، و اسقف اعظم دوبلین. دو کتاب وی، اصول بلاغت<sup>۵</sup> و اصول منطق<sup>۶</sup>، عمدتاً مطالعات منطق در انگلستان را در اوایل سده نوزدهم احیا کردند و به‌عنوان «متن درسی» در بسیاری از حلقه‌ها به بحث گذاشته می‌شدند. میل خود مروری مفصل بر «رساله عالی» ویتلی در سال ۱۸۲۸ نگاشت و این کتاب را یگانه

1. Alexander Bain (1818-1903)

2. Bain, A. 1882. *John Stuart Mill: A Criticism with Personal Recollections*. London: Longman.

3. *The Senses and the Intellect* (1855)

4. Richard Whately (1787 -1863)

5. *Elements of Rhetoric* (1828)

6. *Elements of Logic* (1823)



منبعی معرفی کرد که مطالعاتش در باب «قیاس منطقی» بر آن استوار است. به گفته میل، بخش اعظم مطالب دفتر نخست نظام منطقی - توجیه و اصلاح اصول و تمایزهای منطقیون مدرسی، و تصحیح نظریه دلالت گزاره‌ها - به تأملاتش در باب موضوعات متنوعی بر می‌گردد که در دو کتاب به تفصیل بحث شده‌اند: منطقی ویتلی و رساله «محاسبه یا منطق» هابز. از همین مطالعات نیز جوانه مسئله بغرنجی در ذهنش زده شد که معتقد بود در این رساله‌ها حل نشده یا تبیین نشده مانده‌اند: پارادوکس کشف «حقایق تازه» از طریق دلیل ورزی عام (Ducheyne, S., Mccaskey, J.P., 2014)

هربرت اسپنسر<sup>۱</sup>: یکی از نظام‌مندترین متفکران سده بیستم، جامعه‌شناس و داروین‌یست اجتماعی، و طراح نوعی «فلسفه ترکیبی»<sup>۲</sup> بر مبنای اصول طبیعت‌گرایانه. غیر از اتفاق نظر کلی با میل بر سر اصول فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق، مهم‌ترین کتاب اسپنسر که مرجع میل در نظام منطقی است، اصول روان‌شناسی<sup>۳</sup> است که می‌کوشد در آن اثبات کند «قوانین طبیعی» کلیتی دارند که حتی حیطة «نفس/ذهن» انسانی را دربرمی‌گیرد. مباحثه فلسفی این دو در باب جایگاه و ارزش «قیاس منطقی»، و نیز سرشت «ضرورت» و رابطه‌اش با «تصورناپذیری» به عنوان امری طبیعی - روان‌شناختی، از خوانندگی‌ترین و تحلیلی‌ترین بخش‌های کتاب نظام منطقی است (Ball 2017; Robson 1974).

سر ویلیام همیلتون<sup>۴</sup>: از برجسته‌ترین چهره‌های فلسفی اسکاتلند در سده نوزدهم. همیلتون و نقد دیدگاه‌هایش برای میل به این دلیل مهم بود که او را نماینده تمام‌عیار «شهودگرایان» می‌انگاشت. همیلتون، در کنار نقد تجربه‌گرایی لاک و هیوم، می‌کوشید از آمیزه‌ای از فلسفه اسکاتلندی «فهم متعارف»<sup>۵</sup> با تأکیداتش بر «عینیت» خارجی اشیا و فلسفه کانت با تأکیداتش بر تقدم «سوژه شناسا»، دفاع کند. میل در کتاب دوجلدی خود با نقد موشکافانه همیلتون، عملاً کفه ترازو را به نفع سنت تجربه‌گرایی و روان‌شناسی تجربی برگرداند. وی، در کتاب نظام منطقی، برای بحثی کامل‌تر درباره‌ی پاره‌ای مفاهیم و مباحث، خواننده را به همین کتاب ارجاع می‌دهد. همچنین نقد وی بر تعریف همیلتون از «منطق» و نقد دیدگاه‌های عقل‌گرایانه او در باب اصول بنیادین منطق - اصول تناقض و طرد شق ثالث - بر مبنای تجربه‌گرایانه از بخش‌های مهم نظام منطقی است (Graham 2015; Robson 1974).

1. Herbert Spencer (1820-1903)

2. synthetic Philosophy

3. *The Principles of Psychology* (1855 and 1870-2)

4. Sir William Hamilton (1788-1856)

5. *Scottish Philosophy of Common Sense*

6. *Examination of Sir William Hamilton's Philosophy* (1865)

جان هرشل<sup>۱</sup>: دانشمند جامع‌الاطراف انگلیسی، فعال و نوآور در زمینه‌های تحقیقاتی ریاضی، نجوم، شیمی، و گیاه‌شناسی، و نیز مدافع کلی «رهیافت استقرایی» در علم‌ورزی. میل، در کنار استفاده فراوان از واکاوی‌های او در تاریخ علوم و فلسفه طبیعی در کتاب گفتاری درباب مطالعه فلسفه طبیعی<sup>۲</sup>، که خود مروری بر چاپ نخست آن نگاشته بود، در مکاتبه با هرشل اذعان دارد که بحثش از «چهار روش» نوعی بسط و تقریر علمی تر همان چیزی است که هرشل با عنوان «روش‌های تجربی» باب کرده بود. همچنین تغییرات مهم ویراست دوم (۱۸۴۶)، به خصوص در دو فصل دفتر سوم - «محاسبه شانس‌ها» و «بنیان‌های ناباوری» - عمدتاً نتیجه اشکالات و ایرادات هرشل در مکاتبات با میل است (Robson 1974; McRae 1974).

دمورگان<sup>۳</sup>: منطق‌دان و ریاضی‌دان برجسته انگلیسی که مساهمت‌هایش در مطالعات منطق به ظهور منطق ریاضی و منطق نمادین مدرن انجامید. میل که اساساً با بنیاد «تجربی» منطق همدلی داشت، و منطق خویش را نیز «منطق تجربه» توصیف می‌کرد، منتقد تلاش‌هایی بود که می‌کوشیدند دست به صوری‌سازی یا قیاسی‌سازی دلیل‌ورزی بزنند. یکی از برجسته‌ترین این اقدامات، کارهای دمورگان در کشف «قیاس آماری»<sup>۴</sup> و بحث مهم «تسویر محمولات»<sup>۵</sup> بود، که دمورگان و سر ویلیام همیلتون خود را اولین مبدعان آن می‌دانستند. میل تجربه‌گرا چنین تلاش‌هایی را «نامرتبط» با پروژه‌اش می‌انگاشت و رد می‌کرد، با این مدعا که این «توسعه‌ها»ی منطق قیاسی به هیچ‌وجه بازنمای فرآیندهای استدلالی بالفعل نیستند. همچنین، مکاتبات انتقادی دمورگان با میل موجب شد میل در استدلال‌هایش در فصل بیست‌وسوم دفتر سوم تغییرات مهمی اعمال کند (Robson 1974; Ducheyne and Mccaskey 2014).

\*\*\*

حال، با نگاهی روبه‌آینده و با نظر به آنچه پس از میل می‌آید، می‌توان ردپای آموزه‌ها و ایده‌های بنیادین این کتاب را در مباحثات و مناقشات ذیل ردگیری کرد:

روان‌شناسی‌گرایی: مناقشه «روان‌شناسی‌گرایی»<sup>۶</sup> در جهان آلمانی‌زبان، در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم، بر سر این بود که آیا منطق (و معرفت‌شناسی) بخشی از روان‌شناسی است یا نه. دو چهره اصلی و شناخته‌شده این مناقشه، فرگه و هوسرل، که بعدها بانی دو سنت فلسفی

1. Herschel, John F.W. (1792-1871)

2. [A Preliminary] *Discourse on the Study of Natural Philosophy* (1831)

3. Augustus De Morgan, (1806-1871)

4. "statistical" syllogism

5. Quantification of the Predicate

6. 'psychologism dispute'

متفاوت- پدیدارشناسی و فلسفه تحلیلی- شدند، هرکدام در دو اثر برجسته خود- بنیادهای علم حساب<sup>۱</sup> و پژوهش‌های منطقی<sup>۲</sup>- میل را در مقام مدافع و شارح اصلی این موضع نقد کردند. برای نمونه، هوسرل کوشید رذیة قدرتمندی بر تفسیر روان‌شناسی‌گرایانه مسلط در آن زمان ارائه دهد، چراکه می‌پنداشت چنین موضعی به نسبی‌گرایی شکاکانه‌ای می‌انجامد که خود امکان «معرفت عینی» را تهدید می‌کند؛ به همین جهت، به جای تقریر طبیعت‌گرایانه میل از منطق، روی به سنت قدیمی تری از منطق آورد که نسبش به لاینیتس و کانت می‌رسید: منطق به عنوان نوعی «نظریه علم محض». همچنین، تلاش‌های مصمم میل برای «طبیعی‌سازی» منطق و ریاضیات با عکس‌العمل تند فرگه مواجه شد. فرگه، برخلاف میل، کوشید ثابت کند صدق‌های ریاضی «صدق‌های تجربی» نیستند، و اعداد نمی‌توانند ویژگی‌های مجموعه‌ها یا گردایه‌های اشیا باشند. فرگه سعی داشت از منطق «طبیعی‌زدایی» کند و در این راستا «قلمرو سومی» را برای «اندیشه‌ها» نامحسوس در نظر گرفت، هویتی مستقل از ذهن که محمل‌های صدق یا معانی جملات خبری انگاشته می‌شوند (Kusch 2020).

فلسفه زبان: شرح میل از گزاره‌ها و دلالتشان در دفتر نخست، درکل او را در سنت ارسطویی‌ای جای می‌دهد که بعدها توسط کارهای فرگه و راسل نقد و برچیده شد. اما نظریه‌های معناشناختی میل، به خصوص مواضعش در باب معنای نام‌های خاص و عام، در فلسفه زبان معاصر مورد توجه قرار گرفت. توضیح اینکه، برتراند راسل به خصوص ناقد دیدگاه میل راجع به «نام‌ها» بود، از این جهت که چنین دیدگاهی نمی‌تواند از پس «معماهای منطقی» ای برآید که بر سر راه نظریه نام‌های خاص قرار دارند. از این رو، شرح میل، به سبب تأثیر دیدگاه‌های فرگه و راسل به نفع شرحی «توصیف‌گرایانه» برای مدت‌ها در محاق رفت، و اکثر فلاسفه زبان نسخه‌ای از نظریه توصیفی دلالت نام‌های خاص را پذیرفتند. اما در نیمه دوم سده بیستم، کریپکی، در اثر مهم نام‌گذاری و ضرورت<sup>۳</sup> موضع میل را احیا کرد و به صراحت اعلام داشت نظریه میل در مجموع درباره نام‌های خاص درست است؛ هرچند درباره تعابیر ناظر به «سنخ»، یا آنچه امروزه تعابیر «نوع طبیعی» خوانده می‌شود، نادرست است. به عبارت دقیق‌تر، نام‌های خاص صرفاً همچون برجسیبی‌اند بر فردی که بر آن دلالت مصداقی دارد، ولی حاوی هیچ

1. Frege, G., (1884) [1953], *The Foundations of Arithmetic*, J. L. Austin (trans.), Oxford: Basil Blackwell, 2nd revised edition.

2. Husserl, E., 1900/1 [2nd, revised edition 1913], *Logical Investigations*, trans. J. N. Findlay, London: Routledge, 1973.

3. Kripke, S., 1980, *Naming and Necessity*, Cambridge, MA: Harvard University Press.

دلالت مضمونی، محتوایی، یا مفهومی نیستند؛ اما، برخلاف موضع میل، تعبیر نوع طبیعی مثل «طلا» و «آب» نیز از حیث معناشناختی نظیر نام‌های خاص هستند: آن‌ها نشانگرهای صلب غیردلالی‌اند (Kroon 2017; Schwartz 2014).

پدیدارگرایی در فلسفه: آموزه فلسفی «پدیدارگرایی»<sup>۱</sup> که در عبارت‌واره معروف میل، «ماده همانا امکان‌های دائمی حسیات است»، تمثیل می‌یابد، این موضع است که حسیات عناصر قوام‌بخش مبنایی واقعیت‌اند و جهان خارج از حسیات و امکان‌های حسیات<sup>۲</sup> برساخته می‌شود. این نگره فلسفی به کارهای بارکلی و ضدمادی‌گرایی ایدئالیستی او بازمی‌گردد، ولی توسعه مسوط‌ترش را در کار میل می‌یابیم. پدیدارگرایی بعدها، تا ظهور ایده «فیزیکیالیسم» در دهه ۳۰ سده بیستم، در کار بسیاری از فلاسفه علمی مشرب پی گرفته شد: ماخ، سی. آی. لویی، راسل، کارنپ و ایر از جمله چهره‌های شاخصی هستند که اصل این ایده را برگرفتند، هرچند اکثرشان صورتی «زبانی» یا «معناشناختی» بدان دادند (Hamilton 1998: 139-141).

طبیعت‌گرایی در ریاضیات: رگه دیگر اندیشه‌های قابل تأمل میل، بسط طبیعت‌گرایی به منطقه ممنوعه ریاضیات است. به تفسیری که فیلیپ کیچر ارائه می‌دهد، طبیعت‌گرایی، برخلاف «استعلاگرایی» فلاسفه‌ای همچون فرگه و دامت، از این باور سرمی‌زند که «شناخت فلسفی» واجد منبع خاص و ممتازی است که آن را مبدل به قلمروی کاملاً مستقل از روش‌ها و مدعیات علوم طبیعی می‌سازد. کیچر تبلور سنت «طبیعت‌گرایی» را در لاک، هیوم، دیوئی، و کواین می‌بیند، و معتقد است، از این منظر، میل نه تنها یکی از مهم‌ترین طبیعت‌گرایان در تاریخ فلسفه بلکه همچنین یکی از منسجم‌ترینشان است. به تفسیر او، میل ریاضیات را گفتمانی می‌انگارد که با ویژگی‌های فیزیکی چیزهای روزمره سروکار دارد، و شناخت ریاضیاتی را مبتنی بر تعاملات ادراکی مان با جهان فیزیکی تعبیر می‌کند (Kitcher 1998).

ضرورت و امکان: میل به صراحت منکر هرگونه تمایز متافیزیکی بین صدق‌های «ضروری» و «امکانی» است، و بالامرته‌ترین نوع ضرورت را «ضرورت طبیعی» می‌انگارد، و در برابر تنها معنایی که برای «صدق ضروری» به حریف نسبت می‌دهد - یعنی گزاره‌ای که نفی‌اش نه تنها کاذب است بلکه تصورناپذیر هم هست - تبیینی سراسر تداعی‌گرایانه از «تصورناپذیری» عرضه می‌دارد. از این حیث، می‌توان جریان پوزیتیویستم منطقی سده بیستم را نوعی عقب‌گرد از اندیشه‌های اصیل تجربه‌گرایی قلمداد کرد که بعدها به موجب نقدهای سهمگین کواین بر دو

«جزم» تجربه‌گرایی،<sup>۱</sup> دوباره به جریان اصیل خود بازگشت. در همین راستا، در نظام منطبق شاهد یکی از اولیه‌ترین و پخته‌ترین مباحثات راجع به رابطه «تصورپذیری» و «امکان/ضرورت» هستیم که در سده بیستم در متافیزیک تحلیلی پی گرفته شد.

نظریه انتظامی قوانین<sup>۲</sup>: میل با اعتقاد به اینکه قوانین طبیعت «تعمیم‌هایی تجربی» هستند که بیانگر «اقتران یکنواخت و ویژگی‌ها» اند، و تعبیر «قوانین طبیعت» صرفاً به معنای یکنواختی‌هایی است که در میان پدیده‌های طبیعت وجود دارند، شرحی هیومی از قوانین به منزله انتظام‌ها اختیار می‌کند. اما میل بر دو مؤلفه خاص در این نظریه تأکید دارد: از طرفی، قائل شدن به درهم‌تنیدگی «قیاسی» قوانین نهایی و قوانین اشتقاقی، و از طرف دیگر، تأکید بر مؤلفه «سادگی» به عنوان شاخصه «قوانین حقیقی طبیعت». رابطه تنگاتنگ «قانون طبیعت» با دو مؤلفه «سادگی» و «نظام‌های قیاسی» در سده بیستم به شکل دقیق‌تر توسط فرانک رمزی تقریر شد، و بعدها بیشتر از همه با نظریه دیوید لوئیس قوت گرفت: قوانین طبیعت به همه نظام‌های قیاسی صادقی تعلق دارند که حاوی «بهترین» ترکیب دو مزیت سادگی و «قدرت» (محتوای اطلاعاتی) هستند؛ به عبارت دیگر، تعمیم‌هایی اند که به «بهترین نظریه جامع راجع به جهان» تعلق دارند (Berofsky 2014).

فلسفه علوم اجتماعی: در مناقشه «فهم درمقابل تبیین»،<sup>۳</sup> که در کانون منطبق علوم اجتماعی جای دارد، در حالی که مدافعان علوم اجتماعی «تبیین» محور به دنبال انتظام‌های قانون‌مند حاکم بر کنش‌ها هستند، مدافعان علم اجتماعی «فهم» محور بر کنش‌های «معنادار» و روش‌هایی همچون «همدلی» برای درک کنشگران اجتماعی تأکید دارند. در این راستا، میل در دفتر ششم، پیرو مواضع کنت مبنی بر شباهت اساسی جامعه‌شناسی با سایر علوم طبیعی، نگرشی «تبیین» مدار و «علت» محور به کنش‌های انسانی-اجتماعی عرضه می‌کند، و از این رو، در بسیاری از آثار متأخر فلسفه علوم اجتماعی، به عنوان سخنگوی اصلی این نوع نگرش مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. به عنوان نمونه‌ای شاخص، پیتر وینچ، فیلسوف ویتگنشتاینی سده بیستم، در کتاب معروف اصل ایده علم اجتماعی،<sup>۴</sup> با هدف دفاع از نوعی جامعه‌شناسی تفسیری، دیدگاه‌های میل را مورد انتقاد جدی قرار داد.

\*\*\*

در پایان، چند نکته در باب ترجمه. مبنای اصلی ترجمه حاضر، مجلدات هفتم و هشتم

1. Quine, W. V., 1951, "Two Dogmas of Empiricism", *Philosophical Review*, 60: 20-43.

2. regularity theory of laws

3. "explanation versus understanding" debate

4. Winch, Peter, 1958, *The Idea of a Social Science and Its Relation to Philosophy*, New York: Routledge.

از «مجموعه آثار جان استیوارت میل» است که زیر نظر پرفسور جی. ام. رابسون در ۳۳ جلد منتشر شده،<sup>۱</sup> و علاوه بر همه آثار اصلی میل در فلسفه، اقتصاد سیاسی، تاریخ، و نظریه سیاسی، مشتمل بر نامه‌نگاری‌ها و مکاتبات، رساله‌های انتقادی درخصوص متفکرانی همچون بنتام، رساله‌هایی درباب دین و سوسیالیسم، و نیز سخنرانی‌های وی به‌عنوان عضو پارلمان و آثار عمومی‌تر اوست. این مجلد حاوی مقدمه کلی رابسون و یک «مقدمه متنی» است که اطلاعات ارزشمندی راجع به تاریخچه تکوین متن و تشریح مفاهیم و ایده‌های مندرج در آن دربردارد. از دیگر مشخصات بارز این نسخه، افزودن درون‌مایه مفهومی بخش‌های مختلف شماره‌گذاری شده هر فصل داخل گروه است، که موضوع یا مبحث اصلی آن بخش را معرفی می‌کند و می‌تواند همچون نشانگر مفهومی راهنمای خواننده باشد؛ همچنین، در یکی از ضمایم، فهرست تفصیلی تمام کتاب‌ها و مقالات مورد ارجاع میل آمده، که در تهیه نمایه این اثر از آن استفاده شده است. مترجم، افزون بر این‌ها، از تفسیر مفسران نامور میل - از جمله، راین (Ryan 1987)، اسکار (Scarre 1989)، و اسکروپسکی (Skorupski 1989; 2006) - و نیز اثر تحلیلی-تاریخی نظام منطقی میل: ارزیابی‌های انتقادی (Loizides 2014)، از مجموعه «مطالعات راتلج درباب فلسفه سده نوزدهم»، برای فهم پاره‌ای مباحث تاریخی و مفهومی بهره برده است.

نکته دیگر اینکه، گذشته از معادل‌های انگلیسی و معدود یادداشت‌های مترجم برای توضیح برخی مفاهیم که با علامت «م.» مشخص شده‌اند، پانویست‌های کتاب دو دسته‌اند: دسته اول، که البته حجم اصلی را شکل می‌دهند، پانویست‌های رسمی خود میل در ویراست هشتم و آخر کتاب هستند؛ و دسته دوم، که عمدتاً با نشان see مشخص شده‌اند، افزوده ویراستاران انگلیسی کتاب‌اند برای ارجاع دقیق‌تر به یک کتاب یا مقاله، و یا به نسخه و صفحه دقیق آن‌ها. همچنین، کتاب نظام منطقی، زیرعنوانی طولانی با عنوان «[منطق] قیاسی و استقرایی: دیدگاهی مرتبط درباب اصول شواهد و روش‌های پژوهش علمی»، دارد،<sup>۲</sup> که مترجم به دو دلیل به همان نام مختصر «نظام منطقی» بسنده کرد: هم از این لحاظ که این زیرعنوان دامنه کاوش‌های نظری کتاب را بی‌جهت محدود می‌کند و هم از این حیث که عملاً منطقی «قیاسی» جایگاه ممتازی در آن ندارد.

1. *The Collected Works of John Stuart Mill* (Volume VII - *A System of Logic* Part I; Volume VIII - *A System of Logic* Part II), edited by John M. Robson (Toronto: University of Toronto Press, London: Routledge and Kegan Paul, 1963-91).

2. *Ratiocinative and Inductive: Being a Connected View of the Principles of Evidence and the Methods of Scientific Investigation.*

کلام آخر اینکه، ترجمه این اثر، به علت حجم انبوه و دشواری مضامین آن، با افزایش دانش مترجم و مؤانست بیشتر با آن چندین بار بازنگری و بازخوانی شد. در اینجا شایسته است از همه کسانی که نقش و سهمی در تکمیل نسخه نهایی آن داشته‌اند سپاسگزاری کنم: دکتر حسین شیخ‌رضایی از ابتدا کلیت متن را در دست داشت و اصلاحات سازنده و تغییرات سودمندی پیشنهاد داد. دوست گرامی، ایمان آقابابایی، ویرایش دقیقی از کل متن ارائه کرد، و در تعامل پیوسته با مترجم، هم از لحاظ زبانی و هم معنایی، مشارکتی کامل در پرداخت نهایی ترجمه داشت. این اثر حاوی قطعات فراوانی به زبان‌های فرانسوی، لاتین و یونانی است که برای ترجمه دقیق آن‌ها، هم از لطف دکتر معصومی همدانی بهره‌مند شدم که اکثر قطعات فرانسوی و لاتین را به فارسی برگرداندند، و هم از کمک دوست فرانسوی‌ام، سیلویین رودو از دانشگاه استکهلم، که اکثر آن‌ها را به انگلیسی ترجمه کرد. در برخی از این قطعات، برای ایضاح بیشتر مطالب، چند جمله‌ای را پیش یا پس از نقل قول اصلی داخل قلاب ([ ])، آورده‌ام. دو دوست عزیز، حامد بیکران بهشت و مهدی هاتف، هرکدام چند فصل جداگانه کتاب را خواندند و پیشنهادات مفیدی دادند. حامد بیکران بهشت و سید مسعود حسینی پیشگفتار مترجم را به طور دقیق خواندند، و نکات و اصلاحات ارزشمندی پیش نهادند. کاوه لاجوردی نسخه استاندارد کتاب را به مترجم معرفی کرد که در بازخوانی آخر مبنای کار قرار گرفت. در آخر، از جناب آقای نوید عابدینی، مدیر انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، سپاسگزارم که در تمامی مراحل آماده‌سازی کتاب با مترجم همراهی و همکاری داشتند. در مجموع، امیدوارم ترجمه این اثر کلاسیک توانسته باشد از پس انتقال ایده‌های فلسفی یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه سنت تجربه‌گرایی برآمده باشد.